

پیش‌خواب

«سید عزیز» روایات خودگفته نصرالله

بازنمایی زوایایی نادیده از حیات «مجاهد کبیر»

■ شاهد توحیدی



اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطر آنده خودگفته علامه شهیدسیدحسن نصرالله است که

بیان شده است. این روایات از سوی علیرضا موحدی به فارسی ترجمه و نشر یازهار(س)، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای چاره نیز در معرفی این کتاب، به نکات بی‌آمده اشارت برده است:

«حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله، روحانی شیعه و سیاستمدار سرشناس لبنانی بود که از ۱۹۹۲، به‌عنوان سسومین دبیرکل حزب سیاسی و گروه نظامی حزب‌الله لبنان فعالیت کرد، او در خانواده‌ای از شیعیان لبنان به دنیا آمد و تحصیلاتش را در صور به پایان رساند. مدتی به جنبش امل پیوست و پس از آن به حوزه علمیه‌ای در بعلبک رفت. او بعدها در مدرسه امل به تحصیل و تدریس پرداخت. نصرالله پس از تهاجم ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان به حزب‌الله پیوست که تازه تشکیل شده بود. در پی دوره کوتاه مطالعات دینی در ایران و پس از ترور سیدعباس موسوی در سال ۱۹۹۲، به لبنان بازگشت و رهبر حزب‌الله شد. سید عزیز زندگینامه خودگفته سیدحسن نصرالله است.

این کتاب حاصل ساعت‌ها گفت‌وگوی اختصاصی حمید داودآبادی با دبیرکل حزب الله لبنان در سال ۱۳۷۷ است که در آن سیدحسن نصرالله، زوایای ناگفته زندگی خود را بازگو کرده است. بسیاری از خاطرات و گفته‌های منتشر شده در این کتاب، برای اولین بار است که ذکر می‌شوند. پیاده کردن نوارهای ضبط شده از سید حسن نصرالله و ترجمه



متون از عربی به فارسی بر عهده علی‌رضا موحدی بوده است. نام این کتاب، از تقریظ مقام معظم رهبری بر نسخه قبل از چاپ آن گرفته شده است که ایشان نوشته‌اند: هر چیزی که مایه شناخت و تکریم بیشتر آن سید عزیز شود، خوب و برای من مطلوب است... نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: اولین بار، در تابستان ۱۳۶۲ و در سفری به لبنان باحجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله آشنا شدم. در همان ایام، به دلیل شباهت چهره و خلق و خو، به‌های ایرانی و لبنانی‌ها به تبعیت از آنان، وی را خامنه‌ای کوچک می‌خواندند. در بهار ۱۳۷۴ توفیقی دست داد تا پس از ۱۲ سال، مجدداً سید حسن نصرالله را در بیروت ملاقات کنم. در دو جلسه و در مجموع طی شش ساعت، خاطرات سید حسن را ضبط ویدئویی کردم. در این کتاب با اوضاع، احوال و روحيات شخصی سید حسن نصرالله – که ذکر و یادآوری آنها برای خودوی جالب و جذاب بود- آشنا می‌شوید. کسی که بر خلاف بسیاری از رهبران سازمان‌های به اصطلاح مبارز، مسئولیت و دبیر کلی را نه برای کسب پست، مقام و مال که برای خدمت خالصانه‌تر قبول کرده است. تا جایی که از اعزام فرزند دلبدن خود به جبهه‌های نبرد علیه اشغالگران ایایی ندارد و به شهادت جگر گوشه خود افتخار می‌کند. در پایان کتاب، عکس‌هایی از کودکی نابزرگسالی سید حسن نصرالله، در لباس‌ها و موقعیت‌های گوناگون مشاهده می‌شود. نصرالله، بخشی از رهبران خودگفته، آورده است: پدر و مادرم با ورود من به حوزه موافق نبودند. مادرم به روحانیت خوشبین نبود تا آن روز، جریان پدرزگم (پدر مادرم)، رانمی‌دانستم که روحانی بوده و عمامه را کنار گذاشته است! البته دلیل آن تنها مسائل خانوادگی بود و نه از روی قصدی خاص یا از نظر سیاسی یا چیز دیگر. مادرم می‌گفت اگر به نجف بروی یک نفر به گدایان افزوده می‌شود در لبنان، روحانیان را گدا می‌دانستند! به گمان آنان روحانی کسی بود که با آن چه مردم به او می‌دهند، زندگی می‌گذرانند!...»

■ **محمد رضا کائینی**

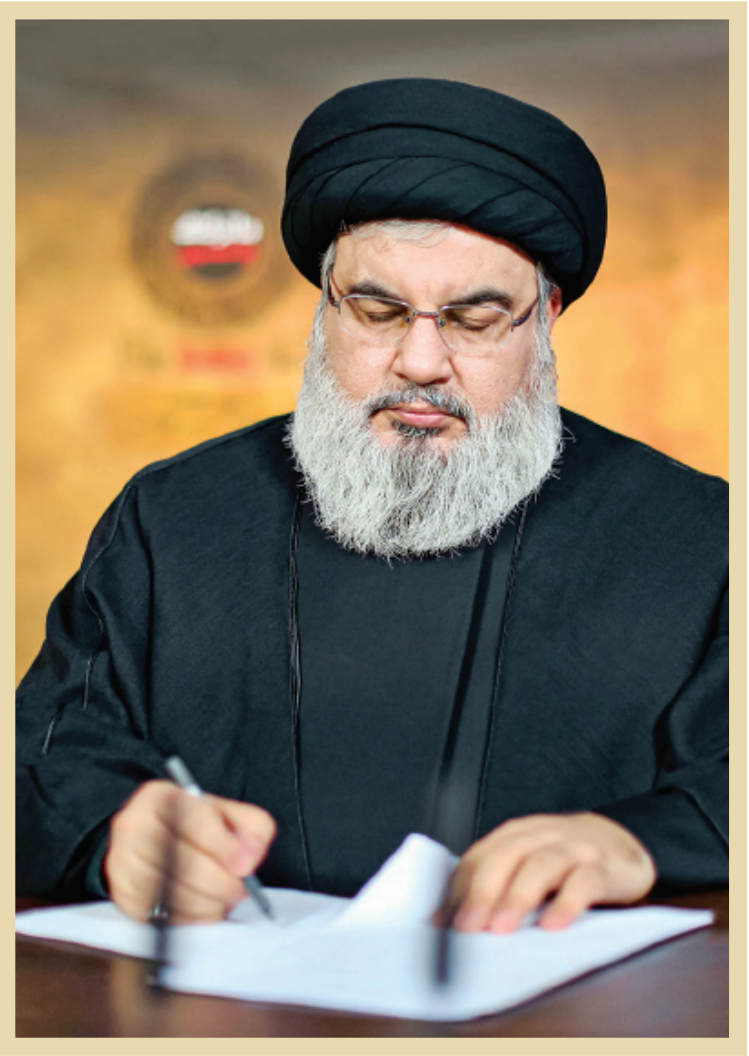
«نگران نباشید. آنچه روز اول گفتم، وعده توخالی و برای آرام کردن شما نبود. من یای قولم هستم و شما جز ما و جز از مقاومت، از کسی کمک نمی‌گیرید. حتی دولت نیز به شما کمک خواهد کرد، زیرا اگر این کار را به دولت بسپاریم، روند اداری مسائل بسیار طول خواهد کشید. در آینده منتظر کمک‌های مستقیم ما باشید. کمک‌های ما از فردا آغاز خواهند شد. ابتدا برای هر خانواده مقرری اختصاص خواهیم داد تا برای یک سال منزلی را اجاره کنند و سرپناهی بیابند تا مسئله مسکن آنها حل شود. این بسیار طبیعی است که به آنها کمک کنیم تا در خانه‌هاشان ساکن شوند و ما این را تأمین خواهیم کرد. هر چند بسیار سنگین است، اما این کار را می‌کنیم. بر اساس برآورد اولیه، ۱۵ هزار خانه تخریب شده‌اند، اما ما مطمئیم درست می‌شوند...»

آنچه در فوق آمد، بخشی از پیام علامه شهید سید حسن نصرالله بود که در پی پیروزی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ صادر شد. این سخنان اما همچنان برای لبنانیان آشنا و جذاب است. گویی مقرر ی اختصاص خواهیم داد تا برای یک سال منزلی را اجاره کنند و سرپناهی بیابند تا مسئله مسکن آنها حل شود. این بسیار طبیعی است که به آنها کمک کنیم تا در خانه‌هاشان ساکن شوند و ما در امتداد بازخوانی تحلیلی دیدگاه‌های نخبگان ایرانی و لبنانی در باره منش آن بزرگ، یادمانی دیگر را مهیا کرده‌ایم که هم اینک پیش‌روی شماست. روحش شاد و یادش گرامی باد. ■■■

■ **او همه احزاب را در پیروزی‌های حزب‌الله شریک کرد**

علامه شهید سیدحسن نصرالله در طول سه دهه رهبری حزب‌الله لبنان، این جریان دینی – سیاسی را بس پرتوان و به گروهی شکست‌ناپذیر مبدل

طلال سلمان: «سید مدت‌هاست بین مقاومت و دستیابی به حکومت، فرق قائل شده است. او این تصور را از جامعه گرفته است که فکر کنند وقتی این حزب آخرین بخش از خاک جنوب را آزاد کرد، با اسلحه به بیروت باز خواهد گشت و به خاطر پیروزی، مشروعبیت کامل را حق خود خواهد دانست. حزب‌الله چگونه توانسته است بین پیروزی در مقاومت و بهره‌گیری سیاسی از آن برای دستیابی به حکومت، تفاوت قائل شود و این موضوع را هضم کند؟...»



یک اربعین در سوگ سید حسن نصرالله که حق طلبی و پایمردی را در قاب تاریخ نشاند

او برای همه اعصار پیامی جاودان فرستاد:

قطعاٌ پیروز می‌شویم!

کرد. بررسی راهی که او در طول این مدت پیمود، از رهیافت‌های مهم به شناخت شخصیت اوست. زنده‌یاد حسین شیخ‌الاسلام که از نزدیک با حزب‌الله لبنان و رهبران شهید آن ارتباط داشت، در این باره معتقد است:

«مهم‌ترین عامل توفیق آقای سیدحسن نصرالله، بعد از خلوص و توکل ایشان به خدا، خردمندی و حسن تدبیر شان است. او با تدبیر توانسته است جمع را حفظ کند و به خرد جمعی نقش دهد. شورای حزب‌الله واقعاً و به تمام معنای کلمه شور است و تصمیمات در آن با تدبیر اتخاذ می‌شوند. سید همه مردم لبنان و نه تنها شیعیان را می‌تواند جذب کند. من در سفر اخیرم دیداری با آقای نبیه‌بری رئیس مجلس لبنان داشتم. نبیه‌بری رهبر جنبش امل و در یک مقطع زمانی با حزب‌الله جنگیده است؛ نبیه‌بری امروز از آقای سید حسن نصرالله ممنون است. او می‌گفت ایشان (نصرالله) در اوج جنگ برای من پیام فرستاد که من جنگ را از نظر نظامی فرماندهی می‌کنم، ولی در صحنه سیاسی شما جنگ را فرماندهی کنید؛ نبیه‌بری می‌داند که ثمره جنگ در بهره‌برداری سیاسی از آن است و آقای نصرالله خالصانه آن را در طبع اخلاصی قرار می‌دهد و به ایشان تقدیم می‌کند. سید حسن خیلی خوب توانست وحدت درونی شیعیان لبنان را حفظ کند. یکی از اولین توطئه‌های امریکا، اسرائیل و نیروهای خائن وابسته به آنها این بود که وحدت شیعی را متلاشی کنند. آقای سید حسن نصرالله با درایتی که در آقای نبیه‌بری و دیگر شخصیت‌های مؤثر در میان شیعیان لبنان همچون آقای سیدمحمد حسن فضل‌الله و شیخ محمد مهدی شمس‌الدین وجود داشت و ما شاهد آن بودیم و با همکاری آنان توانست وحدت شیعی را حفظ کند. او در این جنگ، نه تنها وحدت شیعه که وحدت و یکپارچگی ملت لبنان را حفظ کرد. خیلی مهم است که شما آقای فؤاد سینیوره (نخست‌وزیر لبنان) و آقای ولید جنبلاط (رئیس حزب سوسیالیست دروزی لبنان) را به خط مقدم بیاورید. خیلی درایت و عقل می‌خواهد که



در جمع عدهای از هواداران حزب‌الله لبنان

خاریج

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

داخلی دچار شده بود و سال‌ها بعد شیخ صبحی در برابر حزب‌الله قرار گرفت! برخلاف تصور محافل و مجامع عربی، تشکل‌های فرد محور و نظام‌های سانترالیستی و استبدادی در حزب‌الله جایگاهی ندارند. حزب‌الله، ساختاری یکپارچه دارد و دارای عقل جمعی است...»

■ **انسجام گفتار و کردار «سید»، بستر ساز اعتماد گسترده**

تا اینجا دانستیم که تعاملات مثبت برون گروهی و درون گروهی، نقش مهمی در توفیقات حزب‌الله داشته است. عامل دیگری که در تثبیت جایگاه این گروه و ایجاد اعتماد گسترده ببدان بس مؤثر می‌نماید، صداقت آشکار و غیرقابل انکار رهبری شجاع و دوراندیش آن، یعنی علامه شهید سیدحسن نصرالله است. دکتر ماهر الطاهر عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین در

تبیین این موضوع آورده است: «هیزان هماهنگی و انسجام کامل میان گفتار و موضع‌گیری عملی سید حسن نصرالله و کردار و اقدامات مبارزاتی او به عنوان دبیرکل حزب‌الله و سبیل مبارزه در مقاومت اسلامی لبنان، نقش مهمی در افزایش اعتماد و اقبال مردم به این جریان داشته است. مردمی که از همه نخله‌ها خسته هستند و به عدالانه بودن آرمانی که مقاومت به خاطر آن علیه اشغالگران صهیونیست در لبنان می‌جنگد، ایمان دارند. گفتار مسئولانه و کردار انقلابی، به ارزش و اعتبار سید پیوند خورده است و نشان می‌دهد که اگر وعده‌ای بدهد، حتماً به آن عمل خواهد کرد. ما برای این ادعا شواهد زیادی داریم که به عنوان نمونه می‌توان به این وعده و اشاره کرد که می‌گفت، مقاومت حتماً طعم پیروزی را خواهد چشید. این وعده او در سال ۲۰۰۰ به وقوع پیوست، او در سال‌های اخیر وعده داده بود که در زمینه آزادسازی آن بخش از سرزمین‌های لبنان که هنوز تحت اشغال صهیونیست‌هاست – یعنی مزارع شعیبا – تأکید و اصرار ورزد و آن را در دستور کار شورای امنیت و سازمان ملل قرار دهد که در این کار نیز توفیق یافت. از نسوی دیگر او اصرار داشت اسرای لبنانی، عرب و فلسطینی، پس از پیروزی عملیات وعده صادق در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ – که به اسارت دو نفر از سربازان صهیونیستی انجامید- باید آزاد شوند، مقاومت اسلامی که نماد آن حزب‌الله و سمبل و رهبر و سید مجاهد آن حسن نصرالله است، اگر این تارش و آمادگی مستمر برای فراهم ساختن همه ابزارهای پیروزی را نداشت، هرگز موفقیتی پیدا نمی‌کرد. این ابزارها عبارت‌رند از: ایمان عمیق به عدالانه بودن آرمان و فعالیت مخفیانه و پرهیز از خودنمایی که به فاش شدن را اقدامات مقاومت نزد صهیونیسم و مزدوران آنها منجر می‌شود؛ نیز پاسخ دادن به حملات دشمن و وارد آوردن ضربه به وی با سلاح‌هایی که در تاریخ این مبارزه – که از سال ۱۹۸۴ آغاز شده- سابقه نداشته است. این امر باعث شد دشمن صهیونیستی وارثن آن خود را بیازند و معلوم شد که می‌توان این دشمن مقتدر را (اگر فرصت‌های پیروزی بر دشمن و شکست دادن وی را فراهم کنیم)، نه یک بار بلکه بارها شکست دهم؛ و این کار عملاً در جنگ اخیر لبنان به وقوع پیوست...»

■ **عقربه قطب‌نمای او، تنها به سمت دشمن صهیونیستی بود**

«سید» بر خلاف بسیار رهبران احزاب و جریانات سیاسی، توان گروه خویش را در مسیر لیل به اهداف متعدد مستهلک نساخت، بلکه آن را تنها در مسیر مبارزه با رژیم صهیونیستی در لبنان و خاورمیانه به کار گرفت. بر واضح است که دشمن شناسی دقیق و تجزیه تمامی امکانات برای مواجهه با او بستر ساز پیروزی خواهد بود. سید محمدصادق حسینی، نویسنده سرشناس و تحلیلگر مسائل خاورمیانه و ایران در باره این موضوع گفت:

«جهت‌گیری قطب‌نمای سیدحسن نصرالله، بسیار دقیق است. او در نبردهای سیاسی، فکری و فرهنگی، بسیار دقیق و متعهد است و هر گز جهت‌گیری قطب‌نمای خود را تغییر نمی‌دهد. جبهه‌گیری‌ها، زد و بندهای سیاسی درگیری‌های حاشیه‌ای نمی‌شود، برخلاف جهت و رویدادها، خللی در تصمیم‌گیری و راه مستقیم او ایجاد نمی‌کند. بر این اساس، آقای نصرالله وارد درگیری‌های حاشیه‌ای نمی‌شود، زیرا حرکت جهت قطب‌نمای خود نمی‌جنگد و عقربه قطب‌نمای او، فقط به سمت دشمن صهیونیستی و امریکاست، ایشان امریکا و اسرائیل را شر مطلق می‌داند. هر اندازه دیگران یا او به جنگ و سستی‌ز برخیزند، اختلاف نظر پیدا کنند، از او انتقاد نمایند، در حق او مرتکب جرم شوند یا او را به اتهامات واهی متهم نمایند، او هر گز از چار چوب جهت‌گیری قطب‌نمای خود خارج نمی‌شود و کلیت فرهنگ مبارزه و جهاد او به سوی دشمن صهیونیستی است. همه تفنگ‌ها و سرنیزه‌های او، دشمن اصلی را که همانا دشمن صهیونیستی است، نشانه رفته‌اند. سید حسن نصرالله همه امکانات و ابزارها و توان خود را برای تداوم جنگ با این دشمن بسیج کرده است. همه تلاش‌ها و برنامه‌های حزب‌الله و رزمندگان مقاومت، در مبارزه با دشمن غاصب متحرک شده است. بنابراین قدرت آتش، اثر گذاری و همه توان‌ها چند برابر می‌شوند. ناگفته نماند که تلاش‌ها و عملکرد حزب‌الله با سایر گروه‌های انقلابی، از نظر کیفی و کمی متفاوت است. آقای نصرالله در بهره‌برداری از امکانات و دوستان هم مهارت دارد. از نقاط قوت دوستان و نقاط ضعف دشمنان به خوبی بهره‌برداری می‌کند. او همه امکانات و ابزارهای خود را در نبرد مرکزی و روبرویی با دشمن صهیونیستی بسیج کرده است. ابزار اطلاع‌رسانی، ابزار جنگ روانی، وسایل و جنگ‌افزار نظامی، نبرد امنیتی و اطلاعاتی، همه در خدمت جنگ با اسرائیل به کار گرفته شده‌اند.

جوان

روزنامه جوان | شماره ۷۱۶۵

در حقیقت جهان بینی همه جانبه و دورنگری آقای سید حسن نصرالله، سبب شده است ایشان در میان رهبران و بزرگان و سران جنبش‌های رهایی بخش مردمی و اسلامی بی‌تغییر باشد...»

■ **«نصرالله» اسلحه فرزند شهید خود را به دست فرزند دیگرش داد!**

علاوه بر آنچه پیش‌تر بدان اشارت رفت «نصرالله» تنها جانبازی و شهادت را برای اعضای حزب‌الله نمی‌خواست، بلکه فرزند خویش را نیز در راه آرمان و هدف به میدان شهادت فرستاد. این امر موجب شد تا مردم لبنان، پیش از پیش به خلوص و راستکاری وی ایمان آورند. یحیی ابوز کربا نویسنده روزنامه اللواء لبنان و دوست دیرین دبیرکل شهید حزب‌الله در دوره تحصیل در شهر قم در این خصوص خاطرنشان کرده است:

«در پی حمله نظامی ژوئیه گذشته ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان بی‌تردید سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان به یک پدیده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جهان اسلام و عرب و یکی از محترم‌ترین و سرشناس‌ترین شخصیت‌های برجسته دنیا تبدیل شده است. بدون شک مسلمانان سراسر دنیا برای مردی که از محبوبیت یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون مسلمان برخوردار شده است و برای پیروزی و موفقیت او در مبارزه علیه رژیم صهیونیستی – که از شش دهه پیش همواره عامل درد و رنج و بدبختی مسلمانان بوده است- داعی می‌کنند. در حقیقت، سید ناگهان به چنین محبوبیتی دست نیافته است. آن روز که ایشان را در قلبه بخش جنوبی بیروت، در میدانی نزدیک ساختمان تلویزیون العنار، در مراسم گرامیداشت شهادت فرزند برومندش سید محمد هادی، استوار و آرام دیدم، هنوز به یاد دارم. او که حسرت و اندوه به دل راه نمی‌داد و شهادت سید هادی را افتخار آفرین می‌دانست. او از فرزند دوم خود سید محمدجواد خواست تفنگ برادر شهیدش را تحویل گیرد و خود را برای پیوستن به هم‌زمان او در محور جبل الصافی در ارتفاعات جبل عامل در جنوب لبنان آماده کند، زیرا بزرگمردان و قهرمانان مقاومت اسلامی از پایگاه‌های جبل الصافی بر خاسته‌اند. سید حسن نصرالله از هیچ دانشگاه عربی و اروپایی فارغ‌التحصیل نشده، اما اکنون مراد بزرگ و الگوی اندیشمندان و فرهیختگان و دارندگان عالی‌ترین مدارک تحصیلی دنیا شده است که آرزو دارند قلم را کنار نهند و تفنگ به دست گیرند و با اسلحان‌های پاک که بزرگ‌ترین دستاوردهای تمدن کنونی را می‌آفرینند، همگام شوند...»

■ **رهبر حزب‌الله بین «مقاومت» و «دستیابی به حکومت» تفکیک کرد**

و بالاخره از عوامل کامیابی حزب‌الله و رهبر شهید آن اولویت بخشیدن به مقاومت و عدم پی جویی حکومت و قدرت سیاسی در کشور لبنان است. این مهم به این ترتیب، مورد اذعان زنده‌یاد طلال سلمان روزنامه‌نگار پر آوازه لبنانی و بنیانگذار روزنامه السفير قرار گرفته است:

«سید حسن نصرالله مدت‌هاست تکلیف این موضوع را روشن کرده و بین مقاومت و دستیابی به حکومت، فرق قائل شده است، خیال خود و دیگران را در این زمینه راحت کرده و این تصور را از آنان گرفته است که فکر کنند وقتی این حزب آخرین بخش از خاک جنوب را آزاد کرد، با اسلحه به بیروت بازخواهد گشت و به خاطر پیروزی به دست آمده، مشروعبیت کامل را حق خود خواهد دانست. چگونه حزب‌الله توانسته است از نظر روانی این باور را در خود به وجود آورد که بین پیروزی نظامی بر اثر عملیات مقاومت و بهره‌برداری سیاسی از آن برای دستیابی به حکومت، فرق قائل شود و این موضوع را هضم کند؟ این یکی از پرسش‌های بزرگی است که نمی‌توان به آن پاسخ داد، مگر آنکه به عق

این بنیاد عقیدتی، سیاسی، نظامی که دارای یک عنوان تابناک قرآنی است و شیوه پیچیده‌ای را در بر خود با نبروهایی مختلف در پیش گرفته است و وارد تئوریشودن، بدون آن را تسر نکند. چند روز پیش از آن، یعنی روز شنبه ۲۷ ماه می، سیدحسن نصرالله به مناطق آزاد شده جنوب و به طور دقیق به بنت جبیل، یکی از مراکز منطقه جبل عامل رفت و در مقابل توده عظیم مردمی که برای شنیدن سخنان او آمده بودند، اعلام کرد حزب‌الله به تتهایی این پیروزی را به دست نیاورده است و شرکای او کسانی هستند که پیش از وی برای پیروزی تلاش یا با او همراهی کردند. احزاب ملی و ترقی خواه مانند بعثی‌ها، کمونیست‌ها و ملی‌گرایان سوری و جنبش امل – که به تعبیر نبیه‌بری رئیس مجلس نمایندگان لبنان، مادر حزب‌الله محسوب می‌شود- در این پیروزی شریک هستند. وی به حق همه احزاب، گروه‌ها، افراد و سازمان‌ها، در این پیروزی اعتراف کرد. این اعلان از سویی تأیید نقش رهبری او، در مقاومت و آزادسازی نیز محسوب می‌شود. او سپس با صدایی رسا اعلام کرد ما جایگزین حکومت نخواهیم شد و قصد نداریم حکومت مورد نظر خود را برپا کنیم. موضوع برقراری امنیت، بر عهده حکومت باقی خواهد ماند و مسئولیت ما مطلق و همه جانبه نخواهد بود. ما متعهد به مقاومت هستیم، نه در آرزوی حکومت. حکومت باید پس از آزادسازی بخش اعظم خاک لبنان و بیرون راندن اشغالگران همچنان به وظایف خود ادامه دهد. ما همواره مقاومت خواهیم کرد تا مزارع شعبا را از اسرائیل باز پس بگیریم و اسیران و بازداشت شدگان را از زندان‌های اسرائیل آزاد کنیم...»